

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر سنا

۲۱ می ۲۰۲۱



استاد اکبر سنا

مخمس بر غزل پر شور و درد آلود ابوالمعانی بیدل رح

طوفان یأس

سالها شد کز دلی آه رسائی بر نخواست ناله درد آوری هرگز ز جایی بر نخواست
زین الم پروردگان دست دعائی بر نخواست زیر گردون طبع آزادی نوائی بر نخواست
بسکه پستی داشت این گنبد صدائی بر نخواست

هر گلی از باغ هستی بسته صد رنگ بود عندلیب این گلستان را همین آهنگ بود
عرصه جولان همت بسکه این جا تنگ بود هرکه دیدیم از تعلق در طلسم سنگ بود
یک شرر آزاده از خود جدائی برنخواست

گر چه غیراز ما کسی در بزم غم ساغر نزد غوته در خون دل خود از دوچشم تر نزد
این گل ماتم به فرق خود کس دیگر نزد عمر رفت و آه دردی از دل ما سر نزد
کاروان بگذشت و آواز درائی برنخواست

جز به مردن کی رهد وامانده میدان یأس چاره دیگر ندارد درد بی درمان یأس
گر تو دانی شمه ای از رنج بی پایان یأس کشتی خود با خدا بسپار کز طوفان یأس
عالمی شد غرق ودست نا خدائی بر نخواست

خاطر واماندگان از گرد کلفت پاک نیست قسمت دون همتان غیر از خس و خاشاک نیست
خاک بر فرق کسی بادا گرش ادراک نیست دهر اگر غفلت رواج چهل باشد پاک نیست
جلوه ها بی رنگ بود آئینه رایی بر نخاست

ریشه اقبال ما را بی تمیزی ها نموست شیشه آمال ما با گرد حسرت رو به روست
خاک در بزمی که اهلش را به غفلت گفتگوست در هجوم آباد ظلمت سایه پر بی آبروست
مفت خود فهمید اگر این جا همایی بر نخاست

گر چه بر ما کرد آن چه بر کس دیگر نکرد زندگی را بر سر ما کمتر از محشر نکرد
جز جفا جور بر ما این ستمگستر نکرد خاطر ما شکوه ای از دورگردون سر نکرد
بارها بشکست و زین مینا صدائی بر نخاست

عالمی این جا هلاک طعنه نا مردی است در جبین شان نمی از حسرت پس گردی است
آن چه از ما هم کند گل نغمه دمسردی است این که می نالیم عرض شکوه بی دردی است
ورنه از ما ناله درد آشنائی بر نخاست

لاله سان بودیم از شوق وصالش داغدار ز آتش الفت زدیم آخر به جان خود شرار
چون سنا در رهگذارش صد تمنا در کنار در هوای مقدمش بیدل به خاک انتظار
نقش پا گشتیم لیک آواز پائی بر نخاست